



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۹/۱۰

ایدیت: ولی احمد نوری



مرجان کمال

نگاه دوباره در مورد سنگسار کردن و قتل یک دختر جوان در کابل

نوشتهٔ مرجان کمال منتشره در مجلهٔ «نول دافغانستان»

(Nouvelles d'Afghanistan)

مترجم: فریده کمال

پیشگفتار مترجم:

چشمان گریان و دل مالا مال از خون و خواهش برادر و دوست گرانقدرم خواستم یکی از نوشته های یگانه دلبندم مرجان کمال را ترجمه کنم. از یک طرف افسردگی خاطر و از جانب دیگر امیدوارم این مقاله را که با یک فرانسوی عالی تر از عالی تحریر شده، بتوانم مفهوم آنرا به طور کامل به خوانندگان برسانم. اما دوست و برادر دانشمندم وعده همکاری و کنترل آنرا داده است، که امیدوارم با توجه ایشان متن نوشته جگر گوشه مرجان کمال به صورت درست به خوانندگان و علاقمندان برسد. فریده نوری کمال

در شب نوروز، یک روز قبل از فرا رسیدن بهار یک خانم جوان در شرایط خیلی وحشتناک و غیر انسانی در کابل به قتل رسید.

این واقعه دلخراش و المناک سبب بر افروخته شدن اذهان عامه اکثریت جامعه گردیده و در روز خاکسپاری این دوشیزه جوان مظاهرات بس بزرگی برپا و بر لوحه هایی که به دست آنانیکه جنازه آن قربانی وحشت را مشایعت میکردند جمله [[ما همه فرخنده هستیم]] خوانده می شد.

مرجان کمال بعد از اندیشیدن دوباره در مورد این حادثه وحشتناک و دلنلی که سبب به وجود آمدن خشونت شهری گردیده است بر می گردد.

به تاریخ ۱۹ مارچ ۲۰۱۵ فرخنده ملکزاده که ۲۱ سال دینی از پوهنخی شرعیات زیارت شاه دو شمشیره ولی در عظیم مردم که وی را به نام شریف توهین کرده است رساندند. فوراً بعد از واقعه، امامان مساجد و بالخصوص ملا



میلادی خانم جوانی به نام عمر و دیپلوم لیسانس در علوم پوهنتون کابل داشت در نزدیک قلب کابل توسط یک اجتماع اینکه به کتاب مقدس قرآن وحشیانه و بی رحمانه به قتل شخصیت های مذهبی مخصوصاً ها و مولوی ها،

مرجان کمال در یکی از سفر هایش به افغانستان

قاتلین را به دلیل اینکه این دختر جوان اهانت به دین نموده تیرئه کردند. این دلیل از طرف محاکم ذی صلاح رد گردید.

مهاجمین و هم تعدادی از پولیس ها که در محل این جنایت حاضر بودند به صورت بسیار نسبی محکوم شدند و از یک محاکمه نسبتاً معتدل بهره مند گردیدند.

توضیح روشن از این جرم بزرگ بر می گردد به یک تعصب واضح و نابسامانی هائی که سبب به وجود آمدن از حد بیش این نوع تعصبات می گردد. در صورتیکه این خانم جوان هیچ نوع توهین به کتاب مقدس نکرده بود و این را محاکم ذیصلاح ثابت کردند، پس باید سوال کرد که سبب به وجود آمدن این انگیزه در نزد مهاجمین چه بوده می تواند؟

دلیل قتل فرخنده تا به امروز روشن نگردیده است. واضح است که حمله مهاجمین خشمگین به تمام معنی شدت یک خشونت خارج کنترل را نشان میداد:

محکوم را اولاً با لگد و با تخته چوب ها زده و بعداً از بالای بام به پائین انداختند در ابتداء از بالای بدنش تخته های سمندی و بعداً با گذشتاندن موتر، از روی بدن کاملاً خورد شده اش، بی رحمانه او را به قتل رسانیدند.

به این هم اکتفا نکرده بدن خون آلودش را در دریای کابل انداخته، نخست جسد بی جانش را سنگسار نمودند و سپس به آتش کشیدند. خیلی ها رفت بار بود که اطفال نیز در پرتاب نمودن سنگ ها شامل بودند که این خودش نشان دهنده شدت وحشت در یک جامعه انسانی را نشان می دهد.

تمام آن صحنه های وحشت و بربریت توسط بازی گران نقش اصلی این واقعه وحشتناک و نیز افرادی که در محل واقعه تجمع و تماشاگر بودند، در تمام رسانه های طباعتی و مجازی و غیره به صورت وسیعی پخش گردید

غیر از این واقعه، واقعات متعدد دیگر به صورت متواتر بعد از تشکیل حکومت وحدت ملی در اخیر ماه سپتامبر ۲۰۱۴ صورت گرفت.

به نظر اول این آشوبگری دلالت به تورم خشونت شهری می نماید. از این خشونت آشوب گرانه همه جمعیت افغانستان متأثر است و مخصوصاً خانم ها را هدف قرار می دهد و پخش آن در رسانه ها تشویشات روانی بین همه جامعه بدون هیچ نوع تفاوت خلق می نماید.

خشونت توسط شورشیان مخالف دولت از خشونتی که توسط یک گروه جوانان که منجر به قتل می گردد به ترتیب که رسانه ها آنرا پخش و نشر می کنند از نظر منطق یک نوع تعبیر می شود:

➤ خلق نمودن ترس در جامعه توسط رسانه ها سبب به وجود آمدن یکنوع نشووناد و پراگندگی های روانی شده و هر دو نوع خشونت به اسلام ارتباط داده می شود.
➤ شورشیان کی ها هستند؟

در صورتی که به صورت دقیق به حرف زدن و تلفظ آن طبقه توجه شود به یک زبان دری نو که تفاوت زیاد به زبان کابل وقت دارد و این به صورت واضح آشکار است که ارتباط می گیرد به تلفظ مردمان شمالی که در شمال کابل زندگی می کنند.

این نوع حرف زدن که به صورت واضح از تلفظ مردم پنجشیر فرق دارد در اکثر کارته های کابل شنیده می شود. والدین مقتول که دری را به زبان وقت کابل حرف می زنند لهجه شان از لهجه نو که فعلاً توسط این طبقه حرف زده می شود خیلی ها متفاوت است.

این زبان دری نو که توسط جوانان فعلی که اکثریت جامعه ما را تشکیل می دهند و در کارته های اطراف کابل اقامت دارند نشان دهنده جوان بودن جامعه افغان می باشد.

خشونتی که باعث قتل فرخنده ملکزاده و امثال آن می شود به گمان اغلب ارتباط می گیرد به آن کتگوری یا طبقه جامعه که در شهر ها اقامت گزین هستند. از یک طرف غربت و بیکاری و از جانب دیگر تغییرات سریع جامعه باعث این نوع اختشاشات و بطالت گردیده است.

این دسته یا طبقه جوانان که دقیقاً در نواحی شمال کابل اقامت دارند و اکثراً از قوم تاجک اند آنها را به نام شمالی وار یاد می کنند که بنیاد اتحاد شمال را می سازند و از مخالفین طالبان شمرده می شوند.

به تاریخ ۲۹ ماه می سال ۲۰۰۶ کابل گواه یک آشوبگری بی سابقه از سال ۲۰۰۱ به این طرف بود، که به تعقیب یک تصادم کاروان موتر های امریکائی به همراهی یک یا چند موتر در منطقه کوتل خیرخانه در شمال کابل اتفاق افتاد.

همه تظاهر کنندگان شباهت زیاد به طبقه جوانانی داشتند که در خشونت و قتل فرخنده ملکزاده اشتراک داشتند که در بالا ذکر گردید.

دقتر های انجیو های خارجی بود که باعث حالیکه آشوبگران فرخنده نه تنها وی را به دلیل دیگر آن این بود که این خاتم جوان به مقدس اسلام نموده است. از سال ۲۰۰۱ زیاد از طرق رسانه ها به نشر رسیده است بندی خانه بگرام در ولسوالی بگرام ولایت توسط امریکائی ها اداره می شوند باعث



هدف این آشوبگران آماج قرار دادن بخصوص ویران گری و تاراج اموال آنها گردید. در اتهام توهین به قرآن شریف محکوم کردند بلکه دستور امریکائی ها این اهانت را به کتاب اهانت به قرآن مجید به صورت فوق العاده که امثال آن در محبس ابوغریب در عراق، در پروان و بندی خانه ولایت قندهار که همه

تظاهرات وسیع و به وجود آمدن یک احساس توهین آمیز جامعه بر علیه حضور عساکر خارجی در افغانستان گردیده است.

به این ترتیب بیان آشوب گری و نشان دادن حالت نارضایتی جامعه نه تنها از طرف طالبان مخالف و ضد دولت است که در مدارس دیوبندی می باشد، بلکه بالای طبقه جوانی که در محیط غیر مدرسه و در یک جامعه معکوس آن بزرگ گردیده اند نیز از آن متأثر است. و این دلالت به این نقطه می نماید که جوانانی در یک محیط معکوس از نظر ریفرانس هویت، و نمایانگر یک گروه غیر افراط گرا هستند از نا بسامانی های جامعه متأثر بوده و به خشونت گرائی متوصل می شوند.

➤ خشونت شهری وزیر سؤال قرار گرفتن هویت ها:

یک ماه قبل از به قتل رساندن فرخنده ملکزاده یک خانم جوان دیگر به نام انگیزه شینواری که ۳۴ سال عمر داشت خبرنگار و عضو شورای ولایتی در ننگرهار بود بعد از یک سوء قصد توسط یک موتر بمب گذاری شده در مقابل مکتب بی بی حوا در شهر جلال آباد جان خود را از دست داد. مسئولیت این عمل را هیچ گروهی به دوش نگرفت.

این دو پدیده یا این دو نوع خشونت که منجر به قتل دو خانم جوان گردید از هم متفاوت است.

اعمال خشونت بار از سال ۲۰۰۸ به بعد روزانه افغانستان را در یک آشوبگری غرق کرده است که نشان دهنده یک فصل جدید جنگ با سلاح در داخل شهر ها گردیده که تأثیرات بس اسفناک بالای همه باشندگان ملکی و زندگی روزمره شان از یک طرف و از جانب دیگر اثر ناگوار بالای اجراءات تأسیسات سیاسی نیز بجا گذاشته است.

به همه حال هر دو نوع خشونت از هر نوعی که باشد از یک طرف بالای اوضاع سیاسی افغانستان بعد از سال ۲۰۰۲ اثر گذار است و از جانب دیگر جهت تثبیت هویت اسلامی که دفاع از اسلام توجیه می گردد، مؤثر است.

از نقطه نظر عمومی این خشونت ها که منشاء خود را از شبکه های رسانه های اجتماعی می گیرند به یک طبقه هویتی تعلق می گیرند که معلوماتار هستند. این طبقات می توانند به قومیت، دین و مذهب و یا موضوع دیگری که مثال برجسته آن ابراز کردن هموایی است ارتباط می گیرد که «ما همه فرخنده هستیم».

اما در حقیقت به وجود آوردن این طبقات هویتی ارتباط می گیرید به نتیجه خشونت نه به سبب آن. از طرف دیگر تورم یا به وجود آمدن طبقات هویتی موازی سبب بلند رفتن خشونت های تیروریستی در تمام دنیا گردیده که در نتیجه آن به طبقه هویتی ارتباط می دهند که قبلاً ذکر شد.

➤ خشونت در بافت اجتماعی - سیاسی - و نهاد های دولتی:

بر علاوه ارتباط به چوکات هویتی اسلامی و دفاع از اسلام، بعضی دلایل دیگر نیز وجود دارد مثال برجسته آن خشونت شهری، خشونت علیه فرخنده که باعث قتل وی گردید:.

- - بی اعتنائی مردم که تماشاگر صحنه هستند،
 - - یک عده دیگر اجتماع که شورشیان را تقویه می کنند،
 - - اشتراک قوای امنیتی یا پولیس که در صحنه حاضر اند ولی از خشونت به صورت جدی دفاع نمی کنند.
- مثلیکه در تصویر بالا ملاحظه می نمائید.

○ - و بالاخره انتشار خشونت از طریق رسانه ها و خلق نمودن تشوشات روانی.

بی تفاوتی مردم شهری باید یک نقطه قابل توجه برای دانستن خشونت های شهری قابل توجه قرار گیرد زیرا ترتیب دهندگان حملات وحشیانه شهری مایحتاج آوردن و جاه به جاه کردن مواد انفجاری از منطقه تحت کنترل شان به هدف، باید از کمک یک شبکه مخفی در داخل شهر مستفید باشند. و همکاری پولیس در آشوب گری ها نقش مهم دارد.

ملاحظه میشود که موجودیت یک چوکاتی که آشوب گری ها را به هم وصل میکند نه تنها در افغانستان بلکه به صورت عمومی:

- - فلج بودن تمام ساختارهای دولت است که تصامیم علیه تیروریزم مستلزم آن می باشد تا بتواند جلو آن را بگیرد.
- - عدم موجودیت و مشکلات استخباراتی برای شناسائی مراکز سیاسی و دستور دادن اعمال وحشت گرایانه.
- - بالاخره تأثیر رسانه ها و روانی آشوبگری قابل مناقشه نبوده خصوصاً که به صورت زنجیره بی باهم ارتباط داشته باشد.

نتیجه گیری:

قتل فرخنده ملکزاده نتیجه ارجحیت دادن دلیل مذهبی به خشونت گرایی است و از طرف دیگر نشان دهنده تقسیم شدن جامعه افغان به چندین دسته طبقاتی.

فعالیت هر گروه در محضر عام نشان دهنده خصوصیات مختص به حالت اجتماعی و اقتصادی و قومی است.

آشوب گری وقتی مؤثریت آن بلند می رود که هماهنگی افراد مسلح با کمک همدستان مواد انفجاری هنگام انتقال، جا به جا و استعمال نمودن آن که شدت زیاد این سوی قصد تخریبات زیاد در ساحه از خود باقی بگذارد.

بر علاوه ارتباط گرفتن یک طبقه هویتی مشخص که این گروه آشوبگری را همراهی میکنند یک نتیجه است نه یک دلیل.

تمامی این حالات ما را به این نتیجه میرساند که در یک محیط متهیج و جنگ زده همه بر علیه همه اند.

از نظر شناخت فعلی دلیل خشونت ها و آشوب گری ارتباط میگیرد به مردمانی که از سبب به میان آوردن آشوبگری و بی نظمی استفاده کرده و این بی نظمی دلیل بلند رفتن توقعات و تقسیم بندی سیاسی و اجتماعی را با خود به همراه دارد.

در حال حاضر آشوبگری و خشونت ها جهانی گردیده. نه تنها در افغانستان بلکه در دیگر قاره ها نیز سرایت نموده است.

■ - آسیا

■ - شرق میانه و شرق دور

■ - افریقا

■ - اروپا (فرانسه و بلجیم در سال ۲۰۱۵)

■ - امریکا (به صورت انفرادی به نام داعش «دولت اسلامی»)

این نتیجه گیری دلالت می کند برآنکه: هستند کسانی که ستراتیژی به این بزرگی ای همه علیه همه را پیش می برند. برای پلان گذاری کردن آن به کمک زیاد ضرورت است تا به اهداف خود موفق شوند.

و همچنان آن ها از داشتن شبکه های معلوماتی برخوردار اند تا به ایشان اجازه عملیات در صحنه سیاسی و نظامی منطقه را دهد.

و هم از رقابت بین گروه های رقیب استفاده می کنند طور مثال رقابت بین القاعده و گروهی نو دیگر، از ۲۰۱۳ - ۲۰۱۴ به نام داعش (دولت اسلامی).

پایان

